

بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی

مسعود حسنی القار*

دکتر صابر شعری آناقیز**

چکیده

اجتناب مالیاتی، نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی به منظور کاهش مالیات است که می‌تواند از طریق انتقال درآمد به یک منطقه با مالیات کم و یا قیمت‌گذاری انتقالی انجام شود. در اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون با هدف تبیین عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی صورت گرفته، تأکید بر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بوده است؛ این در حالی است که پژوهش‌های اخیر، ویژگی‌های شخصیتی مدیران را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده اجتناب مالیاتی بررسی می‌کند. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد یکی از عوامل تعیین‌کننده اجتناب مالیاتی، مفهوم توانایی مدیریت است. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی است. جامعه آماری پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد. در این پژوهش

* مربی حسابداری، دانشگاه بزرگمهر قاننات، قاننات، ایران.

** دانشیار حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: مسعود حسنی القار (Email: acc.hasani@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۸

برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از دو سنجه نرخ مؤثر مالیات نقدی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات استفاده شده است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، دو فرضیه تدوین و برای آزمون آنها، روش‌های آماری رگرسیون خطی چند متغیره به کار رفته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد توانایی مدیریت، تأثیر مثبت معناداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر غیرمستقیم اندازه شرکت و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی است.

واژه‌های کلیدی: توانایی مدیریت، اجتناب مالیاتی، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی، قیمت‌گذاری انتقالی.

مقدمه

مالیات، هزینه‌ای است که بر تمام واحدهای انتفاعی که به‌نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به‌عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند. در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به‌منظور کاهش هزینه مالیات خود را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند. به‌طور متداول، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به ابزارهای صرفه‌جویی مالیاتی اطلاق می‌شود که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین، ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

از دیدگاه مبانی نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی است، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است. بنابراین، از

آنجا که اجتناب مالیاتی فعالیتی به ظاهر قانونی است، به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (خانی و همکاران، ۱۳۹۳)، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و از این رو تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد. در اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون با هدف تبیین عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی صورت گرفته، تأکید بر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بوده است؛ این در حالی است که پژوهش‌های اخیر ویژگی‌های شخصیتی مدیران را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده اجتناب مالیاتی بررسی می‌کند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج پژوهش‌های پیشین (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶) نشان می‌دهد یکی از عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی، مفهوم توانایی مدیریت است.

یکی از سرمایه‌های انسانی، که نقش مهمی در تبدیل منابع شرکت به درآمد و خلق ثروت برای سهامداران دارد، مدیران شرکت‌های تجاری هستند. اطلاعات مرتبط با قابلیت مدیران شرکت‌ها، از قبیل توانایی آنها در استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تأمین منابع، تخصیص بهینه منابع، و دانش و تجربه آنها، یکی از ابعاد مهم و ارزشمند دارایی‌های نامشهود شرکت‌های تجاری محسوب می‌شوند (نمازی و غفاری، ۱۳۹۴). با توجه به موارد یاد شده، سؤال اصلی که این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ آن است، این است که آیا بین توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود رابطه معنادار، نوع رابطه چگونه است؟ هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی است.

مبانی نظری

در ادبیات حسابداری، توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌ها است که به‌عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود. به‌عنوان مثال، **دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲، ۲۰۱۳)** توانایی مدیریت را به‌عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع تولید درآمد در شرکت‌ها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت می‌شود (**دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۲**). توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کاراتر عملیات روزانه شرکت شود، خصوصاً در دوره‌های بحرانی عملیات، که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد. افزون بر آن، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌روست، مدیران توانا تر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (**آندرو و همکاران، ۲۰۱۳**). سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در پروژه‌های با ارزش‌تر و مدیریت کارای کارکنان نیز از ویژگی‌های مدیران توانمند است. در نتیجه در کوتاه‌مدت انتظار می‌رود، مدیران توانا تر بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی از منابع کسب کنند، یا با استفاده از منابع کمتر، به سطح معینی از درآمد دست یابند (**دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۲**) و بالعکس، تصمیمات ضعیف و مهارت پایین مدیریت در رهبری می‌تواند شرکت را به سمت ورشکستگی سوق دهد.

منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختنی است. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است (**هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰**). اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است (**اگروال، ۲۰۰۷**). اجتناب از مالیات اغلب به‌عنوان کاهش مالیات تعریف می‌شود. این تعریف به‌صورت مفهومی از تعریف **دایرنگ و همکاران (۲۰۰۸)** پیروی می‌کند و همه معاملات را که روی بدهی مالیاتی شرکت‌ها تأثیر

می‌گذارد، منعکس می‌کند (خانی و همکاران، ۱۳۹۳). به‌طور کلی، شرکت‌ها از طریق دو روش انتقال درآمد و قیمت‌گذاری انتقالی می‌توانند از پرداخت مالیات اجتناب نمایند. انتقال درآمد یک روش انتقال سود از حوزه با مالیات بالا به یک منطقه کم مالیات، یا قرض گرفتن بیشتر در منطقه با مالیات بالا و کمتر در منطقه کم مالیات است. این عمل ویژه به زدودن درآمد اشاره می‌کند، که در آن بدهی گیرنده قرض به شرکت‌های وابسته و یا بدهی به شرکت‌های غیر وابسته، مشمول مالیات نمی‌شود. به‌عنوان مثال، شرکت مادر ممکن است به شرکت‌های تابعه خود قرض دهد (گراول، ۲۰۱۳). روش دیگری که شرکت می‌تواند سود را از حوزه دارای مالیات بالا به حوزه کم مالیاتی انتقال دهد، قیمت‌گذاری کالاها و خدمات فروخته شده بین شرکت‌های وابسته است. برای انعکاس درآمد، قیمت کالاها و خدمات فروخته شده توسط شرکت‌های وابسته باید همان قیمتی باشد که می‌تواند توسط اشخاص غیر وابسته پرداخت شود. با کاهش دادن قیمت کالاها و خدمات توسط شرکت مادر و شرکت‌های وابسته در حوزه‌های با مالیات بالا و بالا بردن قیمت خرید، درآمد را می‌توان منتقل نمود (گراول، ۲۰۱۳). مسئله مهم در قیمت‌گذاری انتقالی، انتقال مالکیت دارایی نامشهود است. دارایی‌های نامشهود نشان‌دهنده مشکل خاصی برای خط‌مشی قیمت‌گذاری انتقالی است. علاوه بر این، تبلیغات برای ایجاد نام‌های تجاری نیز قابل کسر و معاف از مالیات است. قوانین قیمت‌گذاری انتقالی با توجه به دارایی نامشهود به دلیل موافقت‌نامه‌های اشتراک‌گذاری هزینه، که در آن شعبه‌های وابسته مختلف در هزینه مشارکت دارند، پیچیده است. شرکت‌های با اشتراک‌گذاری هزینه، با احتمال بیشتری به مشارکت در انتقال سود دخیل هستند (خانی و همکاران، ۱۳۹۳).

پیش‌بینی می‌شود مدیران توانمند در کنترل اثربخش منابع، عموماً تصمیماتی اتخاذ نمایند که پرداخت‌های مالیات بر درآمد را کاهش دهند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶). انتظار می‌رود که در شرایط یکسان، مدیران دارای توانایی بیشتر، در مدیریت ثمربخش منابع، درگیر اجتناب

مالیاتی بیشتری باشند. در این رابطه سه دلیل می‌توان مطرح کرد. نخست، مدیران توانمند درک و فهم بالایی از محیط عملیاتی شرکت خویش دارند. آنها بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری را با استراتژی‌های مالیاتی همسو کرده و به آسانی فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مؤثر را شناسایی و بنا به درک قبلی از محیط عملیاتی شرکت از آنها بهره‌برداری و استفاده کنند. به‌عنوان مثال، زمان‌بندی، طبقه‌بندی و جهت‌یابی فعالیت‌های تحقیق و توسعه، مفاهیم مهمی برای کسب مزایای مالیاتی هستند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶). دوم اینکه، مدیران توانمندتر می‌توانند یک فضای اخلاقی (نظم و ترتیب در سطوح بالای شرکت) با تأکید بر به حداقل رساندن هزینه‌ها ترسیم کنند که در مدیریت ثمربخش منابع در راستای رسیدن به اهدافشان مستعدتر خواهد بود. اگرچه در کلیه مدیران انگیزه کاهش هزینه‌ها وجود دارد، اما مدیران توانمندتر در مدیریت ثمربخش منابع شرکت در دست‌یابی به کاهش قابل توجه هزینه‌ها توانایی بیشتری دارند. همچنین، انتظار می‌رود کاهش جریان‌های خروج وجه نقد به مقامات مالیاتی خصوصاً به مدیرانی که به طرز ثمربخشی منابع را مدیریت می‌کنند، واگذار گردد. کاهش در پرداخت مالیات، تأثیر نامطلوبی بر عملکرد شرکت برجای نمی‌گذارد، در حالی که کاهش هزینه‌های عملیاتی (مثل بازاریابی، تولید، نیروی کار و غیره) می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر عملکرد شرکت داشته باشد.^۱ به‌عنوان مثال، کاهش بازاریابی می‌تواند باعث کاهش فروش شود و کاهش هزینه تحقیق و توسعه و دستمزد کارکنان مانع نوآوری می‌شود. در مقابل، کاهش هزینه‌های مالیاتی به‌طور مستقیم تأثیرات نامطلوب بر عملکرد شرکت ندارند. بنابراین، انتظار می‌رود که نگرش مدیران در کنترل و مدیریت کارآمد منابع، کاهش هزینه‌ها را از طریق اجتناب از مالیات به شیوه کاملاً جذابی دنبال کنند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶). در نهایت، انتظار می‌رود مدیرانی که به‌طور کارآمد منابع شرکت را مدیریت می‌کنند، با اتخاذ تصمیمات تجاری جریان خروجی نقد مالیات بر درآمد را کاهش دهند، زیرا هر ریال مالیات پرداختی،

پولی است که نمی تواند دوباره در شرکت سرمایه گذاری و اندوخته شود و بازده خاصی برای شرکت به دست نمی دهد، اما صرفه جویی مالیات نقدی می تواند به عملیات شرکت به منظور ایجاد یک بازده سرمایه گذاری مثبت تخصیص یابد. انتظار می رود هدایت مجدد منابع شرکت بخصوص برای مدیران توانمندتر برای اداره کارآمد منابع شرکت جذاب تر باشد (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶).

از سوی دیگر، دلایل متعددی مبنی بر عدم اجتناب مالیاتی مدیران توانمند نسبت به مدیران با توانایی کمتر وجود دارد. در شرایط یکسان، کلیه مدیران انگیزه به حداکثر رساندن سود پس از مالیات از طریق کاهش مالیات بر درآمد را دارند، اما همه آنها از فرصت های برابر به منظور اجتناب مالیاتی برخوردار نیستند. پژوهش ها نشان می دهد عوامل مختلف اثرگذار بر اجتناب مالیاتی (شامل ویژگی های شرکت)، از تصمیمات راهبردی پیشین مدیران منتج شده اند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). اتخاذ تصمیمات راهبردی جدید که ترکیب صنایع تجاری را تغییر داده، عملیات را جابجا کرده، راهبردی های تحقیق و توسعه را تغییر دهد و یا به تغییر محل فعالیت شرکت منتهی شود، آن هم به منظور اجتناب مالیاتی، ممکن است برای مدیران مقرون به صرفه نباشد. همچنین پژوهش های پیشین نیز نشان می دهد که طرح های جبران خدمات بر اجتناب مالیاتی تأثیر می گذارد (رگو و ویلسون ۲۰۱۲؛ آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ گارتز، ۲۰۱۴).

اگر بیشترین عوامل تعیین کننده اجتناب مالیاتی را ویژگی های شرکت و طرح های جبران خدمات در نظر بگیریم، آنگاه هیچ نقشی برای توانایی مدیریت به منظور تأثیر قابل توجه بر سیاست های اجتناب از مالیات شرکت ها باقی نمی ماند. حتی زمانی که پاداش ها و فرصت های کافی و مؤثر برای کاهش مالیات ها وجود داشته باشد، دلایل متعدد دیگری مبنی بر عدم تأثیر گذاری توانایی مدیریت بر فعالیت های اجتناب مالیاتی یک شرکت وجود دارد. مدیران

دارای درک عمیق از محیط عملیاتی شرکت، ممکن است دانش مالیاتی فنی مورد نیاز برای طراحی و تحقق استراتژی‌های اجتناب مالیاتی را نداشته باشند. همچنین ممکن است که مدیران توانمندتر آن قدر بر عملیات تجاری اصلی متمرکز باشند که انگیزه‌های مالیاتی، تصمیمات عملیاتی را تحت تأثیر خود قرار ندهد (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر این، مهارت‌های لازم برای مدیریت ثمربخش منابع نیز می‌تواند از آموزش تخصصی و تخصص مورد نیاز برای شناسایی و پیاده‌سازی استراتژی‌های اجتناب مالیاتی مجزا باشد. در نهایت، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم اجتناب مالیاتی مهم‌تر از فواید نیستند. هزینه‌های مستقیم شامل اختصاص منابع شرکت به برنامه‌ریزی مالیاتی از قبیل نیروی انسانی بخش مالیات، پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی مالیات، جابه‌جایی مکان فیزیکی عملیات و غیره است (لینچ ۲۰۱۴؛ براون و همکاران، ۲۰۱۵). هزینه‌های غیرمستقیم شامل هزینه‌های سیاسی، دغدغه‌های شهرت، تأثیرات گزارش مالی و بررسی دقیق حسابرسی صورت‌های مالی و غیره است (گراهام و همکاران، ۲۰۱۴؛ هوپس و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین، ارتباط بین توانایی مدیران و اجتناب مالیاتی سؤال تجربی پژوهش حاضر است.

پیشینه پژوهش

کوستر و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مدیران توانمند به دلیل درک بالایی که از محیط عملکردی شرکت‌ها دارند، می‌توانند تصمیمات تجاری را با استراتژی‌های مالیاتی همسو کرده و فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مؤثر را شناسایی کنند. آنها به شواهد قابل اعتمادی مبنی بر مشارکت مدیران توانمند در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی (که پرداخت مالیات نقدی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد) دست یافتند. چن و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که

توانایی مدیران یکی از اجزای اصلی موفقیت در تصمیم‌گیری‌های نوآوری بوده و دارای ارتباط مثبتی با ارزش بازار شرکت‌هاست.

آندرو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رابطه توانایی مدیریت و عملکرد شرکت در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ پرداختند. آنها با بررسی داده‌های مربوط به ۲۳۴۴ شرکت بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیریت با عملکرد شرکت، رابطه مستقیم دارد و در طول بحران ۲۰۰۸ مدیران تواناتر، منابع شرکت، بدهی‌ها و مخارج سرمایه‌ای را نسبت به مدیران دارایی توانایی پایین‌تر، به‌صورت کاراتری مدیریت کرده‌اند. **دیمرجان و همکاران (۲۰۱۳)** در پژوهش خود نشان دادند که کیفیت سود شرکت‌ها، رابطه مثبت و معناداری با توانایی مدیریت آن شرکت دارد. مدیران تواناتر منجر به ایجاد درآمدهای بالاتر، کیفیت سود بیشتر، خطای کمتر در تأمین مالی نامناسب از طریق استقراض می‌شوند.

کیم و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که بین اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و ریسک سقوط قیمت سهام، ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. چنین نتیجه‌ای با این دیدگاه مطابقت دارد که اجتناب مالیاتی برای مدیران فرصتی را فراهم می‌کند تا با رفتارهای فرصت‌طلبانه، اخبار بد را پنهان و انباشته کنند. این امر موجب می‌شود قیمت سهام بیش از واقع ارزیابی شده و حباب قیمت ایجاد شود. مهم‌تر اینکه پنهان کردن اطلاعات منفی درباره شرکت، فرصت انجام اقدامات اصلاحی به‌موقع یا کنار گذاشتن پروژه‌های ضعیف و نامناسب را از سرمایه‌گذاران و هیئت مدیره می‌گیرد. زمانی که اخبار بد به اوج خود می‌رسند و همه به یک‌باره آشکار می‌شوند، قیمت سهام شرکت سقوط می‌کند.

وانگ (۲۰۱۱) با اشاره به دو دیدگاه متفاوت ارزش‌آفرینی و تئوری نمایندگی در تأثیر فعالیت‌های اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت، به این نتیجه رسید که از آنجایی که اجتناب از مالیات، انتقال ثروت از شرکت به دولت را کاهش می‌دهد، از نظر سهامداران یک رویکرد

ارزش آفرین است. همچنین وی دریافت که در شرکت‌های شفاف، یعنی شرکت‌هایی که در آن مسائل نمایندگی کمتری وجود دارد، سطح اجتناب از مالیات شرکت بالاتر است. این مسئله بیانگر این موضوع است که مدیران اجتناب از مالیات را صرفاً در راستای حداکثر کردن منافع سهامداران انجام می‌دهند. به علاوه نتایج پژوهش وی نشان داد، سهامداران در ازای فعالیت‌های اجتناب مالیاتی یک صرف ریسک طلب می‌کنند که این صرف ریسک با شفافیت بیشتر (کاهش شاخص ابهام) کاهش می‌یابد.

بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور نیز نشان می‌دهد تاکنون هیچ پژوهشی در رابطه با توانایی مدیریت و تأثیر آن بر اجتناب مالیاتی انجام نشده است. در ادامه به بعضی از پژوهش‌های داخلی مربوط اشاره می‌گردد. نتایج پژوهش **مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴)** نشان داد که در بازار سرمایه ایران درباره رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، تئوری ارزش آفرینی حاکم است. به این معنی که فعالان بازار سرمایه، نسبت به فعالیت‌های اجتناب از مالیات شرکت‌ها نگرش مثبتی دارند و آن را نه ابزاری برای رفتارهای فرصت طلبانه، بلکه تلاش شرکت برای کاهش انتقال ثروت از سهامداران به دولت می‌دانند. به همین دلیل به این فعالیت‌ها، به صورت افزایش قیمت سهام شرکت‌ها، واکنش مثبتی نشان می‌دهند.

سپاسی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تأثیر توانایی مدیریت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر انگیزه‌های فرصت طلبانه، دریافتند که فقط هنگامی بین توانایی مدیریت با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد که نوع رفتار، فرصت طلبانه باشد و در انواع مختلف رفتار غیر فرصت طلبانه (غیر فرصت طلبانه افزایشی و غیر فرصت طلبانه کاهش) رابطه معناداری وجود ندارد. بر اساس نتایج پژوهش **نمازی و غفاری (۱۳۹۴)**، اطلاعات مربوط به توانایی مدیران در انتخاب سبد سهام مطلوب‌تر و بهینه‌تر تأثیر مثبت معناداری دارد.

مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. علاوه بر این، نتایج پژوهش آنها نشان داد رابطه منفی و معناداری بین متغیرهای سودآوری و اندازه شرکت و همچنین رابطه مثبت و معناداری بین حسابرسی مالیاتی و اجتناب مالیاتی وجود دارد. **بزرگ اصل و صالح زاده (۱۳۹۴)** در پژوهشی به بررسی رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی پرداختند. نتایج نشان داد که بین توانایی مدیریت با پایداری سود و پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود رابطه مثبت وجود دارد. همچنین رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی‌تر است.

مطابق نتایج پژوهش **پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳)** فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. به بیان دیگر، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود. نتایج به‌دست آمده حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین توانایی مدیریت و کیفیت ارقام تعهدی بود. با در نظر گرفتن مبانی نظری، پژوهش‌های گذشته و نتایج آنها، فرضیه‌های پژوهش بدین شرح مطرح می‌شود:

فرضیه اول: توانایی مدیریت تأثیر معناداری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی دارد.

فرضیه دوم: توانایی مدیریت تأثیر معناداری بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تشکیل داده است. در پژوهش حاضر جامعه آماری بر اساس شروط

نظام‌مندی تعدیل شده‌اند. بنابراین، در انتخاب شرکت‌ها ویژگی‌های زیر مورد توجه قرار گرفت:

الف. شرکت مورد نظر از جمله شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد (به دلیل تفاوت در ماهیت فعالیت).

ب. سهام شرکت در طول هر یک از سال‌های دوره پژوهش معامله شده باشد.

پ. از منظر افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت، منتهی به پایان اسفندماه باشد.

ت. طی سال‌های مورد مطالعه تغییر سال مالی یا فعالیت نداده باشد.

ث. شرکت مورد نظر از ابتدا تا انتهای پژوهش در فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس باشد.

ج. تمامی داده‌های مورد نیاز آن در طی سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۳ در دسترس باشد.

دوره زمانی این تحقیق از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ است. پس از بررسی شرکت‌ها از لحاظ ویژگی‌های مذکور، در مجموع ۸۴۸ سال-شرکت مورد بررسی قرار گرفته است. در گردآوری داده‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی مرتبط با بورس استفاده شد. الگوی رگرسیونی که برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است، مطابق پژوهش **کوستر و همکاران (۲۰۱۶)** به شرح رابطه ۱ است:

$$Tax\ Avoidance_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Managerial\ Ability_{i,t} + \sum_{q=2}^m \beta_q (q^{th}\ Control\ Variables_{i,t}) + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

که در الگوی فوق؛ $Tax\ Avoidance_{i,t}$: اجتناب مالیاتی و $Managerial\ Ability_{i,t}$: بیانگر توانایی مدیریت است. هر یک از متغیرهای پژوهش در ادامه معرفی شده‌اند:

اجتناب مالیاتی: از اجتناب مالیاتی تعریف عمومی و پذیرفته شده‌ای وجود ندارد و به روش‌های گوناگونی می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد. در جدول شماره ۱ برخی از روش‌های اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی آمده است (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰؛ پورحیدری و گل محمدی شورکی، ۱۳۹۴). اجتناب مالیاتی ($Tax Avoidance_{i,t}$)، متغیر وابسته این پژوهش است. بدین منظور از دو معیار برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده شده است (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶): نرخ مؤثر مالیات نقدی ($Cash ETR_{i,t}$): نرخ مؤثر مالیات نقدی شرکت i در سال t که از طریق تقسیم مالیات نقدی پرداختی بر سود قبل از کسر مالیات محاسبه شده است. هر چه اندازه این شاخص بزرگ‌تر باشد، سطح اجتناب از مالیات شرکت کمتر است. از این رو نرخ‌های مؤثر مالیاتی محاسبه شده در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شود تا نتایج پژوهش نشان‌دهنده ارتباط توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی در شرکت باشد. لازم به ذکر است انواع گوناگونی از نرخ‌های مؤثر مالیاتی در ادبیات موضوعی وجود دارد که تفاوت‌های آنها به‌طور عمده ناشی از نرخ مؤثر مالیات متوسط و نرخ مؤثر مالیات نهایی است. تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات ($BTD_{i,t}$): تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات شرکت i در سال t که از طریق تفاوت سود حسابداری (سود قبل از کسر مالیات) و سود مشمول مالیات محاسبه شده است. همچنین به‌منظور همگن‌سازی، متغیر فوق بر جمع دارایی‌های تقسیم شده است.

توانایی مدیریت: در پژوهش حاضر به‌منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از الگوی **دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲)** استفاده شده است. در این الگو، با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به‌عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می‌گردد. به‌منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، **دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲)** از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده کرده‌اند. الگوی

تحلیل پوششی داده‌ها، نوعی الگوی آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی کاربرد دارد.

جدول شماره ۱. روش‌های اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی

روش اندازه‌گیری	روش محاسبه
نرخ مؤثر مالیاتی مبتنی بر سود حسابداری	$\frac{\text{هزینه مالیات بر عملکرد}}{\text{سود قبل از مالیات}}$
نرخ مؤثر مالیات نقدی	$\frac{\text{مالیات بر عملکرد پرداختی}}{\text{سود قبل از مالیات}}$
تفاوت کل سود حسابداری و سود مشمول مالیات	سود مشمول مالیات - سود حسابداری
تفاوت موقت سود حسابداری و سود مشمول مالیات	هزینه مالیات معوق
نرخ نهایی مالیات	$\frac{\text{نرخ قانونی مالیات بر عملکرد}}{\text{ارزش فعلی مالیات بر مبنای هر واحد افزایش در سود حسابداری}}$

$$\max_v \theta = \frac{Sales}{v_1 CoGS + v_2 SG\&A + v_3 NetPPE + v_4 OpsLease + v_5 R\&D + v_6 Goodwill + v_7 Intan} \quad (2)$$

در این الگو، $CoGS$: بهای کالای فروش رفته در سال t ; $SG\&A$: هزینه‌های عمومی، اداری و فروش در سال t ; $NetPPE$: مانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات در ابتدای سال t ; $OpsLease$: هزینه اجاره عملیاتی در سال t ; $R\&D$: هزینه تحقیق و توسعه^۲ در سال t ; $Goodwill$: سرقفلی خریداری شده در ابتدای سال t ; $Intan$: مانده خالص دارایی نامشهود در ابتدای سال t ; و $Sales$: میزان فروش است. در این الگو برای هر یک از متغیرهای ورودی ضریب خاص (v) در نظر گرفته شده است. زیرا اثر همه متغیرهای ورودی بر خروجی (فروش) یکسان نیست. مقدار محاسبه شده برای کارایی شرکت در محدوده صفر تا ۱ قرار می‌گیرد که حداکثر کارایی برابر ۱ و هر چه مقدار به دست آمده کمتر باشد، یعنی کارایی شرکت پایین‌تر است. هدف از محاسبه کارایی شرکت، سنجش توانایی مدیریت است و از آنجا که در

محاسبات مربوط به کارایی، ویژگی‌های ذاتی شرکت نیز دخالت دارند، نمی‌توان توانایی مدیریت را به درستی اندازه‌گیری کرد. زیرا متأثر از این ویژگی‌ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی محاسبه می‌شود. **دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲)** به منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در الگوی خود، کارایی شرکت را به دو بخش جداگانه، یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت تقسیم کرده‌اند. آنها این کار را با استفاده از کنترل پنج ویژگی ذاتی شرکت (اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات)) انجام داده‌اند. هر یک از این پنج متغیر به‌عنوان ویژگی‌های ذاتی شرکت، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نماید یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود کنند. در الگوی زیر که توسط **دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲)** ارائه شده، این پنج ویژگی کنترل شده‌اند:

$$Firm\ Efficiency = \alpha_0 + \alpha_1 Size + \alpha_2 Market\ Share + \alpha_3 Free\ Cash\ Flow\ Indicator + \alpha_4 Age + \alpha_5 Foreign\ Currency\ Indicator + \tau \quad (3)$$

که در آن؛ *Size*: اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت؛ *Market Share*: سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت؛ *Free Cash Flow Indicator*: این متغیر در صورت مثبت بودن جریان‌های نقدی عملیاتی برابر یک و در صورت منفی بودن برابر صفر در نظر گرفته شده است؛ *Age*: عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است؛ *Foreign Currency Indicator*: متغیر دامی است که برای شرکت‌هایی که صادرات (فروش با ارز خارجی) داشته‌اند برابر ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است و باقی‌مانده الگو نیز نشان‌دهنده میزان توانایی مدیریت است (**دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۲؛ بزرگ اصل و صالح زاده، ۱۳۹۴**).

متغیرهای کنترلی پژوهش نیز به شرح زیر معرفی شده‌اند:

اندازه شرکت: برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت (حاصل ضرب قیمت سهام در تعداد سهام) در پایان سال استفاده شده است. در ارتباط با مالیات و اندازه شرکت پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. مبانی نظری این پژوهش‌ها عموماً بر پایه دو فرضیه هزینه‌های سیاسی و قدرت سیاسی هستند. واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) نشان دادند که شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر تحت نظارت دولت قرار می‌گیرند و بیشتر در معرض مواجهه با هزینه‌های سیاسی هستند. بنابراین، انتظار می‌رود این شرکت‌ها گرایش کمتری به اجتناب مالیاتی داشته باشند. در مقابل فرضیه قدرت سیاسی قرار دارد که توسط سالامون و سیگفرید (۱۹۷۷) توسعه یافت. مطابق این فرضیه، شرکت‌های بزرگ‌تر از قدرت سیاسی و اقتصادی ممتازی نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر بهره می‌برند. این شرکت‌ها با استفاده از قدرت اقتصادی و لابی‌گری، درصدد اثرگذاری بر قوانین هستند و سعی دارند در طرح‌ها و پروژه‌های مالیات‌کاه، سرمایه‌گذاری نمایند. می‌توان انتظار داشت رابطه معناداری بین اندازه شرکت و اجتناب مالیاتی وجود داشته باشد (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶؛ مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳؛ سروستانی، ۱۳۹۱).

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام: این متغیر از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری آن در پایان سال مالی محاسبه می‌شود. ارزش بازار حقوق صاحبان سهام از حاصل ضرب تعداد سهام عادی در قیمت سهام در پایان سال مالی به دست می‌آید. ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام نیز از ترازنامه شرکت استخراج می‌شود. **درجه اهرم مالی:** از طریق تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌ها به دست می‌آید (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶؛ هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

نرخ بازده دارایی‌ها: از تقسیم سود قبل از بهره و مالیات به میانگین دارایی‌ها به دست می‌آید (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶).

حسابرسی مالیاتی^۵: برای این منظور یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی، مورد مطالعه قرار گرفتند و چنانچه شرکت در سال مذکور، مورد رسیدگی حسابرسی مالیاتی توسط حسابداران رسمی قرار گرفته باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌گردد. قوانین مالیاتی نیز به مؤدیان اجازه داده از این خدمات بهره‌مند شوند. در ایران نیز به موجب ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم، اداره امور مالیاتی موظف است گزارش حسابرسی مالیاتی را بدون رسیدگی قبول و مطابق مقررات برگ تشخیص مالیات صادر نماید. یکی از استراتژی‌هایی قانونی که بر تصمیمات مالیاتی اثر می‌گذارد، استفاده از خدمات مالیاتی خارجی نظیر استفاده از حسابرسی مالیاتی و خدمات مشاوره‌ای است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حق الزحمه‌های صرف شده برای خدمات مالیاتی منجر به کاهش نرخ مؤثر مالیاتی می‌شود. ارائه این خدمات توسط مؤسسات حسابرسی مزایایی برای مؤدیان مالیاتی فراهم می‌آورد و نه تنها به استقلال حسابرسان خدشه‌ای وارد نمی‌کند، بلکه منافع ارزنده‌ای برای شرکت‌ها و دولت و جامعه فراهم می‌آورد. در این خصوص مطالعات نشان می‌دهد، در صورت ارائه این خدمات توسط حسابرسان، هزینه مالیات شرکت‌ها به‌طور صحیح‌تری ارائه می‌شود (حسینو و کلام، ۲۰۱۲؛ مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳).

اقلام تعهدی اختیاری: برای محاسبه ارقام تعهدی اختیاری از الگوی تعدیل‌شده جونز استفاده می‌شود. برای تفکیک ارقام تعهدی اختیاری از غیر اختیاری، ابتدا باید در یک دوره پیش‌بینی، الگوی ارقام تعهدی را برآورد نمود و سپس بر اساس داده‌های واقعی در دوره رویداد به محاسبه ارقام تعهدی اختیاری پرداخت. دلیل استفاده از این متغیر، کنترل اثر رویه‌های گزارشگری متهورانه شرکت است (دوئلن و همکاران، ۲۰۱۵). الگوی تعدیل‌شده جونز در رابطه ۴ نمایش داده شده است:

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \frac{\beta_1 (\Delta REV_{i,t} - \Delta Rec_t)}{A_{i,t-1}} + \beta_2 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_i \quad (4)$$

که در آن؛ $TA_{i,t}$: برابر است با کل اقلام تعهدی شرکت؛ $\Delta REV_{i,t}$: درآمد سال t منهای درآمد سال $t-1$ ؛ $PPE_{i,t}$: برابر است با اموال ماشین آلات و تجهیزات شرکتها؛ ΔRec_t : برابر است با تغییرات در حسابهای دریافتی در سال t ، و $A_{i,t-1}$: برابر با کل داراییها شرکت در سال $t-1$ است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد میانگین مشاهدات و میانه آنها اختلاف اندکی دارند. نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه مشخص می‌کند که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. همچنین انحراف معیار متغیرهای استفاده شده صفر نیست، لذا می‌توان متغیرهای مد نظر را در الگو وارد کرد. میانگین تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD) بیانگر آن است که به‌طور متوسط سود قبل از مالیات شرکت‌ها بیشتر از سود مشمول مالیات آنهاست. کمینه تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات، نشان می‌دهد که در برخی از شرکت‌های مورد مطالعه، سود حسابداری کمتر از سود مشمول مالیات است. کمینه نرخ مؤثر مالیاتی نیز نشان می‌دهد برخی از شرکت‌ها با وجود گزارش سود، هیچ‌گونه مالیاتی پرداخت نکرده‌اند.

برای اطمینان از نبود هم‌خطی، آزمون ضرایب همبستگی پیرسون برای همه متغیرهای توضیحی الگوهای رگرسیونی انجام شد. بر اساس نتایج حاصل از این آزمون -چون تمام ضرایب برآورد شده معنادار و تفکیک‌پذیر بودند- بین متغیرهای مستقل و تعدیل‌کننده، خودهمبستگی دیده نشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد آماره‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر برای انجام پژوهش، مناسب و مطلوب بوده است. از مشکلاتی که در تحلیل‌های رگرسیونی بروز می‌کند، مسئله هم‌خطی شدید بین متغیرهای مستقل در الگوهای رگرسیون است. بسیاری از پژوهش‌گران اتفاق نظر دارند که برای مسئله هم‌خطی راه‌حلی وجود ندارد و تنها راه اطمینان

از نبود هم‌خطی شدید بین متغیرهای توضیحی، بررسی ضرایب همبستگی پیرسون است. برای اطمینان از نبود هم‌خطی، آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای همه متغیرهای توضیحی الگوهای رگرسیونی انجام شد که در جدول شماره ۳ آورده شده است. بر اساس نتایج حاصل از این آزمون چون تمام ضرایب برآورد شده معنادار و تفکیک‌پذیر بودند بین متغیرهای مستقل و تعدیل‌کننده خودهمبستگی دیده نشد. همچنین بررسی همبستگی بین متغیرهای توانایی مدیریت با نرخ مؤثر مالیات نقدی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات نیز حکایت از همبستگی مثبت بین توانایی مدیریت با نرخ مؤثر مالیات نقدی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات دارد. همبستگی مثبت بین توانایی مدیریت و شاخص‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند بیانگر تأیید تأثیر مثبت توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی در محیط ایران باشد.

جدول شماره ۲. آمار توصیفی کل متغیرهای پژوهش

متغیرها	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
توانایی مدیریت	ManagerialAbility	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۵۴۸	-۰/۷۶۶	۰/۲۳۸
نرخ مؤثر مالیات نقدی	Cash ETR	-۰/۱۳۷	-۰/۱۲۴	۰/۰۲۲	-۰/۶۹۱	۰/۰۳۳
تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات	BTD	۰/۱۰۵	۰/۰۷۸	۰/۵۹۶	-۰/۰۳۲	۰/۱۴۲
اندازه شرکت	Size	۱۱/۳۱۵	۱۰/۹۸۱	۱۳/۴۷۲	۱۰/۰۱۶	۰/۴۰۹
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB	۲/۰۱۹	۱/۷۱۷	۹/۱۰۳	۰/۱۷۵	۰/۹۲۳
اهرم مالی	Lev	۰/۵۸۱	۰/۵۰۳	۰/۹۴۶	۰/۰۸۸	۰/۱۵۵
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۶۹	۰/۱۲۱	۰/۸۸۳	-۰/۲۷۴	۰/۳۲۴
حسابرسی مالیاتی	Tax Auditing	۰/۴۱۷	۰	۱	۰	۰/۰۹۶
اقدام تعهدی اختیاری	DAcc	۰/۱۵۲	۰/۱۶۰	۰/۱۹۱	-۰/۰۷۳	۰/۱۳۶

نتایج آزمون فرضیه‌ها

ماهیت داده‌های رگرسیونی این پژوهش ترکیبی از داده‌های زمانی و مقطعی است که می‌توان آنها را به صورت تلفیقی یا تابلویی برازش کرد. نتایج آزمون چاو الگوهای رگرسیونی

پژوهش برای تعیین نوع آزمون (تلفیقی یا داده‌های تابلویی) سطح معناداری آماره اف. لیمر را به ترتیب اعداد ۰/۰۱۱ و ۰/۰۲۰ (کمتر از ۵ درصد) نشان داد. در نتیجه، اولویت در استفاده از روش داده‌های تابلویی است. از آزمون هاسمن برای تعیین نوع روش داده‌های تابلویی (اثرات ثابت یا اثرات زمانی) استفاده شد که طبق نتایج، استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در اولویت قرار گرفت. از آزمون جارک- برا^۶ نیز به منظور تشخیص نرمال بودن توزیع اجزای اخلال الگوها استفاده شده است. سطح معناداری آماره جارک- برا به ترتیب برابر با ۰/۳۱۴ و ۰/۲۴۷ محاسبه شده است، از آنجا که این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمده است؛ فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای اخلال را نمی‌توان رد کرد؛ لذا توزیع اجزای اخلال نرمال است. با وجود این، بر اساس قضیه حد مرکزی، ضرایب در داده‌های با تعداد مشاهدات بالا نرمال محسوب می‌شوند؛ هرچند توزیع اجزا نرمال نباشد (گرین، ۲۰۱۱). به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش برای الگوهای رگرسیونی، از نتایج برآورد رگرسیون ارائه شده در جدول شماره ۴ استفاده شده است.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که ضریب متغیر توانایی مدیریت برابر با ۰/۰۵۱ است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تأیید نمی‌شود. به بیان دیگر این ضریب در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است و تأثیر متفاوتی از صفر بر متغیر نرخ مؤثر مالیات نقدی دارد که با توجه به علامت مثبت آن می‌توان گفت بین توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی، ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، توانایی مدیریت نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی را ۵/۱ درصد کاهش می‌دهد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد. لذا، می‌توان نتیجه گرفت افزایش توانایی مدیران به طور معناداری منجر به افزایش اجتناب مالیاتی می‌گردد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر اندازه شرکت کمتر از ۰/۵ است. از سوی دیگر، ضریب

مجله دانش حسابداری / دوره هشتم / ش ۱ / بهار ۱۳۹۶ / پیاپی ۱۲۷/۲۸

برآورد شده برای متغیر اندازه شرکت منفی است؛ یعنی اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی معناداری دارد. ضریب تعیین تعدیل شده الگوی اول نشان می‌دهد که حدود ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود. آماره دوربین واتسون به میزان $2/083$ نشان می‌دهد که خطاها یا تفاوت بین مقادیر واقعی و پیش‌بینی شده به وسیله الگوی رگرسیونی، از یکدیگر مستقل هستند.

جدول شماره ۳. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر ۴	متغیر ۳	متغیر ۲	متغیر ۱	
			۱	متغیر ۱: توانایی مدیریت
		۱	۰/۰۳۷	متغیر ۲: اندازه شرکت
	۱	-۰/۱۱۸	۰/۰۵۱	متغیر ۳: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
۱	۰/۳۲۳	-۰/۰۸۲	۰/۲۰۵	متغیر ۴: اهرم مالی
-۰/۰۵۶	-۰/۱۷۵	۰/۱۱۲	۰/۱۹۲	متغیر ۵: نرخ بازده دارایی‌ها
-۰/۱۰۶	-۰/۰۲۸	۰/۰۶۲	۰/۰۷۱	متغیر ۶: نرخ مؤثر مالیات نقدی
۰/۰۷۲	-۰/۳۴۴	-۰/۰۳۷	۰/۱۱۶	متغیر ۷: تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات
	متغیر ۷	متغیر ۶	متغیر ۵	
				متغیر ۱: توانایی مدیریت
				متغیر ۲: اندازه شرکت
				متغیر ۳: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
				متغیر ۴: اهرم مالی
			۱	متغیر ۵: نرخ بازده دارایی‌ها
		۱	۰/۰۸۸	متغیر ۶: نرخ مؤثر مالیات نقدی
	۱	۰/۴۴۵	-۰/۰۲۵	متغیر ۷: تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات

اندازه‌های معناداری ارائه شده در جدول شماره ۴ حاکی از آن است که ضریب متغیر توانایی مدیریت به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش برابر با $0/089$ است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از $0/05$ به دست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تأیید

نمی‌شود. به بیان دیگر این ضریب در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است و تأثیر متفاوتی از صفر بر متغیر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات دارد که با توجه به علامت مثبت آن می‌توان گفت توانایی مدیریت بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات تأثیر مثبت معناداری دارد. به عبارت دیگر، توانایی مدیریت، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات را ۸/۹ درصد افزایش می‌دهد. از این رو فرضیه دوم پژوهش نیز رد نمی‌گردد.

جدول شماره ۴. نتیجه آزمون فرضیه‌های پژوهش

تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD)		نرخ مؤثر مالیات نقدی (Cash ETR)		تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD)		نرخ مؤثر مالیات نقدی (Cash ETR)	
سطح معناداری	آماره t	ضریب متغیر	سطح معناداری	آماره t	ضریب متغیر	متغیرها و ضریب تعیین الگو	
-	-	-	۰/۰۰۵	۴/۳۲۲	۰/۰۵۱	توانایی مدیریت	توانایی مدیریت
۰/۰۲۸	۲/۲۰۳	۰/۰۸۹	-	-	-	توانایی مدیریت	
۰/۰۱۲	-۳/۳۱۶	-۰/۴۵۵	۰/۰۰۲	-۵/۰۹۳	-۰/۱۷۴	اندازه شرکت	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام اهرم مالی نرخ بازده دارایی‌ها حسابرسی مالیاتی اقدام تعهدی اختیاری
۰/۲۱۹	۰/۷۲۵	۰/۳۸۴	۰/۱۴۶	۰/۹۱۷	۰/۰۲۶	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	
۰/۰۰۷	-۴/۱۰۸	-۱/۱۱۳	۰/۰۰۴	-۴/۵۱۳	-۰/۴۲۹	اهرم مالی	
۰/۰۰۳	۵/۲۹۱	۰/۱۷۴	۰/۰۰۱	۵/۸۵۷	۰/۱۴۵	نرخ بازده دارایی‌ها	
۰/۳۲۷	-۰/۷۴۴	-۰/۱۵۶	۰/۲۵۳	-۱/۱۴۱	-۰/۱۰۹	حسابرسی مالیاتی	
۰/۴۸۱	۰/۵۰۷	۰/۹۱۹	۰/۶۱۶	۰/۲۹۱	۱/۰۳۹	اقدام تعهدی اختیاری	
۰/۰۳۴	۲/۰۱۱	۰/۱۱۲	۰/۰۱۰	۲/۶۱۵	۰/۰۶۹	مقدار ثابت الگو	
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		سطح معناداری آماره فیشر	
	۲/۲۱۹			۲/۰۸۳		آماره دوربین واتسون	
	۰/۳۰			۰/۳۵		ضریب تعیین تعدیل یافته	

سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر اندازه شرکت (۰/۰۱۲) کمتر از سطح معناداری ۵ درصد است. از سوی دیگر، ضریب برآورد شده برای متغیر اندازه شرکت منفی است؛ یعنی

اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معناداری دارد. ضریب تعیین تعدیل شده الگوی دوم رگرسیونی نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود. آماره دوربین واتسون نیز به میزان ۲/۲۱۹ نشان می‌دهد که خطاها یا تفاوت بین مقادیر واقعی و پیش‌بینی شده به وسیله الگوی رگرسیونی، از یکدیگر مستقل هستند. سطح معناداری آماره F برای الگوها در هر دو الگو نیز نشان از تأیید الگوها به طور کلی در سطح اطمینان ۹۵٪ دارد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش به تفکیک هر یک از سال‌ها در جدول شماره (۵) نمایش داده شده است.

جدول شماره ۵. نتیجه آزمون فرضیه‌های پژوهش به تفکیک هر یک از سال‌ها

سال	تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD)				نرخ مؤثر مالیات نقدی (Cash ETR)			
	ضریب متغیر t	سطح معناداری	ضریب متغیر t	آماره دوربین واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معناداری	ضریب متغیر t	آماره دوربین واتسون
۱۳۸۶	۰/۰۲۴	۳/۱۰۸	۰/۰۲۹	۰/۲۸	۱/۹۲۳	۰/۱۴۳	۱/۸۴۷	۲/۰۷۵
۱۳۸۷	۰/۰۷۶	۳/۲۳۷	۰/۰۲۷	۰/۳۲	۲/۰۴۴	۰/۲۰۵	۲/۶۷۱	۱/۸۲۳
۱۳۸۸	۰/۱۰۹	۴/۴۸۵	۰/۰۰۹	۰/۲۵	۱/۹۷۷	۰/۰۱۳	۲/۲۱۵	۱/۸۷۶
۱۳۸۹	۰/۰۱۷	۳/۶۲۴	۰/۰۱۳	۰/۱۹	۱/۸۰۶	۰/۰۵۷	۳/۴۲۹	۲/۱۳۷
۱۳۹۰	۰/۲۰۲	۳/۷۱۵	۰/۰۲۲	۰/۳۶	۱/۸۸۷	۰/۱۸۹	۳/۱۲۷	۲/۲۳۲
۱۳۹۱	۰/۲۱۷	۴/۳۹۶	۰/۰۱۰	۰/۳۳	۲/۱۳۵	۰/۱۵۲	۴/۱۸۶	۱/۹۹۷
۱۳۹۲	۰/۱۱۱	۴/۷۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۸	۱/۹۷۲	۰/۳۵۴	۱/۹۸۳	۲/۲۸۶
۱۳۹۳	۰/۰۷۳	۴/۵۱۳	۰/۰۰۳	۰/۴۳	۲/۲۰۴	۰/۰۱۱	۲/۳۱۶	۲/۳۰۷

نتیجه‌گیری و بحث

عدم پرداخت مالیات واقعی یکی از چالش‌های مهم کشورها و مخصوصاً کشورهای در حال توسعه است که منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی و نیز کاهش شفافیت در اقتصاد می‌گردد. شاخص‌های مالیاتی (مانند نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی) بیانگر آن است که آنچه به عنوان مالیات وصول می‌شود، شکاف زیادی با ظرفیت‌های بالقوه دارد و به بیان دیگر

فرار و اجتناب مالیاتی زیادی در کشور رخ می‌دهد. در ادبیات مالی کشورهای دیگر، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه مالیات با نام‌های گوناگونی چون مدیریت مالیات، اجتناب مالیاتی و رویه مالیاتی جسورانه شناخته می‌شود. معمولاً فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات اطلاق می‌شود که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بدین طریق ارزش پس از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد.

در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداخته شد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از دو سنجۀ نرخ مؤثر مالیات نقدی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات استفاده شد. همچنین به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از الگوی **دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲)** استفاده شده است. در این الگو با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به‌عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه گردید. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد، توانایی مدیریت، تأثیر مثبت معناداری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی دارد. یافته‌های پژوهش در مورد رابطه بین توانایی مدیریت و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی با نتایج پژوهش **کوستر و همکاران (۲۰۱۶)** مطابقت دارد. علاوه بر این، نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد توانایی مدیریت تأثیر مثبت معناداری بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات دارد. یافته‌های پژوهش در مورد رابطه بین توانایی مدیریت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات با نتایج پژوهش **کوستر و همکاران (۲۰۱۶)** مطابقت دارد. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر غیرمستقیم اندازه شرکت و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی است. نتایج این پژوهش در مورد ارتباط بین ارقام تعهدی اختیاری و اجتناب مالیاتی با نتایج پژوهش **کوستر و همکاران (۲۰۱۶)** مطابقت ندارد. نتایج پژوهش حاضر در مورد رابطه بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی با نتایج پژوهش **مهرانی و سیدی (۱۳۹۳)**

مطابقت ندارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر در مورد رابطه بین نرخ بازده دارایی‌ها و اجتناب مالیاتی با نتایج پژوهش **مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴)** مطابقت ندارد.

با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های گذشته، به مدیران و تصمیم‌گیرندگان توصیه می‌شود در تصمیمات و استراتژی‌های مالیاتی، ضمن در نظر گرفتن افق دید بلندمدت، پیامدها و تأثیر احتمالی هر یک از سیاست‌های مالیاتی را مورد توجه قرار دهند. به سرمایه‌گذاران نیز توصیه می‌شود ضمن توجه به استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی شرکت‌ها، پیامدهای احتمالی مربوطه را بر جریان‌های نقدی و عملکرد آتی شرکت‌ها مورد توجه قرار دهند و اطلاعات مربوط را در الگوی تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند.

موضوعات زیر می‌تواند مورد توجه پژوهشگران آینده قرار گیرد: بررسی تأثیر نوع صنعت بر روابط بین اجتناب مالیاتی و توانایی مدیریت؛ بررسی سایر سنجه‌های معرف اجتناب مالیاتی و تکرار این پژوهش بر اساس این سنجه‌ها؛ بررسی اینکه آیا بازار به تصمیمات مالیاتی شرکت‌ها واکنش نشان می‌دهد یا خیر و بررسی اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. عدم سابقه زیاد شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران، منجر به محدودیت شرکت‌های مورد بررسی گردید. نبود داده‌های مورد نیاز و قابل اتکا نیز برای محاسبه متغیرهای پژوهش در مورد برخی از شرکت‌ها موجب عدم بررسی آنها شد که این امر بر قابلیت تعمیم نتایج به جامعه آماری تأثیر می‌گذارد. همچنین این پژوهش متأثر از برخی عوامل کلان نظیر نرخ تورم، نرخ سود تسهیلات دریافتی و نرخ ارز است که فرض شده اثر آنها برای همه شرکت‌ها و مشاهدات یکسان است، در حالی که ممکن است چنین نباشد. علاوه بر این، تعدیلات سنواتی و برخی از بندهای شرط مندرج در گزارش‌های حسابرسی از جمله عوامل مؤثر بر اندازه‌گیری سود است. اما به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات لازم، تعدیل بابت این اقلام دشوار بود. لذا این موارد می‌تواند نیز نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد.

یادداشت‌ها

۱. شرکت‌ها می‌توانند از طریق خرید مواد کم کیفیت، هزینه‌ها را کاهش دهند، که البته این امر به محصولات با کیفیت پایین‌تر منجر شده، برگشت کالا را افزایش داده و معروفیت برند را از بین می‌برد. در مقابل شرکت‌هایی که محصولات با کیفیت بالا تولید می‌کنند، می‌توانند از طریق صرفه‌جویی مالیاتی از مدیریت قیمت‌گذاری انتقالی مطلوب بدون هیچ تأثیری بر کیفیت کالا، هزینه‌ها را کاهش دهند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶).
۲. لازم به ذکر است از آنجایی که هزینه‌های تحقیق و توسعه و اطلاعات مرتبط با اجاره‌ها توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در صورت‌های مالی شناسایی نمی‌گردد، اثر آن از الگو حذف شده است.

3. Market to Book Ratio 4. Financial Leverage
5. Tax Auditing 6. Jark-Bera

References

- Agrawal, K. (2007). *Corporate Tax Planning*, sixth edition, Delhi University, 1, 1-13.
- Armstrong, C.S., Blouin, J., Jagolizner, A., Larker, D. (2013). Corporate governance incentives, and tax avoidance. *www.ssrn.com*.
- Andreou, P.C., Ehrlich, D., Christodoulos L. (2013). Managerial ability and firm performance: evidence from the global financial crisis, <http://www.efmaefm.org>.
- Bozorg Asl, M., Saleh Zadeh, B. (2015). Relationship managerial ability, and stable earnings and cash flows with an emphasis on accrual components in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 14(5), 153-170 [In Persian].
- Brown J.L., Drake, K.D., Wellman, L. (2015). The benefits of a relational approach to corporate political activity: Evidence from political contributions to tax policymakers. *Journal of Amer Taxation Association*, 37(1), 69-102.
- Chen, Y.; Podolski, E.J., Madhu, V. (2015). Does managerial ability facilitate corporate innovative success? *Journal of Empirical Finance*, 34, 313-326.
- Demerjian, P., Lev, B., McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7), 1229-1248.
- Demerjian, P., Lev, B., Lewis, M.F., McVay, S.E. (2013). Managerial ability and earnings quality. *Accounting Review*, 88(2), 463-498.
- Duellman, S., Hurwitz, H., Sun, Y. (2015). Managerial overconfidence and audit fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2), 148-165.
- Dyreg, S.D., Hanlon, M., Maydew, E.L. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *Accounting Review*, 83(1), 61-82.

- Gaertner, F. (2014). CEO after-tax compensation incentives and corporate tax avoidance. *Contemporary Accounting Research*, 31(4), 1077-1102.
- Graham, J.R., Hanlon, M., Shevlin, T., Shroff, N. (2014). Incentives for tax planning and avoidance: Evidence from the field. *Accounting Review*, 89(3), 991-1023.
- Gravelle, J.G. (2015). Tax havens: International tax avoidance and evasion. Washington, DC: *Congressional Research Service*.
- Greene, W. (2011). *Econometric Analysis*. Seventh ED. United States of America: Prentice-hall publication.
- Hanlon, M., Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting Economic*, 50(2-3), 127-178.
- Hoopes, J.L., Mescall, D., Pittman, J.A. (2012). Do IRS audits deter corporate tax avoidance? *Accounting Review*, 87(5), 1603-1639.
- Huseynov, F., Klamm, B. (2012). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility. *Journal of Corporate Finance*, 18(4), 804-827.
- Khani, A., Karimi, I., Yosefi, A. (2015). Tax avoidance, how to measure and factors affecting it. *Journal of Accounting Research*, 4(3), 121-142 [In Persian].
- Kim, J.L.Y., Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. www.ssrn.com.
- Koester, A., Shevlin, T., Wangerin, D. (2016). The role of managerial ability in corporate tax avoidance. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2753152.
- Lynch, D. (2014). Investing in the corporate tax function: The effects of remediating material weaknesses in internal control on tax avoidance. *Working Paper*, Michigan State University.
- Mashayekhi, B., Alipanah, S. (2015). Effect corporate governance on the relationship between tax avoidance and firm value. *The Financial Accounting and Auditing Research*, 7(25), 55-70 [In Persian].
- Mashayekhi, B., Seyyedi, S.J. (2015). Corporate governance and tax avoidance. *Journal of Accounting Knowledge*, 6(20), 83-103 [In Persian].
- Mehrani, S., Seyyedi, J. (2014). Investigation effect of taxable income and conservatism accounting on tax aggressive firms. *Accounting and Audit Management Science*, 3(10), 13-23 [In Persian].
- Namazi, M., Gaffari, M. (2015). The importance and role of managerial ability information and financial ratios as a criterion for the optimal stock portfolio selection

- in Tehran Stock Exchange (via data envelope analysis). *Quarterly Financial Accounting*, 7(26), 1-30 [In Persian].
- Pourheidari, O., Fadavi, M.H., Amini Nia, M. (2014). An Investigation on the effect of tax avoidance on the transparency of financial reporting firms listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Economics Research*, 14(1), 69-85 [In Persian].
- Pourheidari, O., Golmohammadi, S.M. (2015). The impact of corporate tax risk on audit fee. *Journal of The Accounting and Auditing Review*, 22(3), 279-419 [In Persian].
- Rego, S.O., Wilson, R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 775-810.
- Sarvestani, A. (2012). Investigation relationship the characteristic firms and kind of property with tax effective rate from the companies listed in Tehran Stock Exchange. *M.A. Thesis*, University of Shahid Bahonar Kerman [In Persian].
- Sepasi, S., Anvari Rostami, A.A., Sayyadi, A. (2016). Investigating the effect of managerial ability on financial restatements: With concentration in opportunistic incentives. *Journal of Empirical Research of Financial Accounting*, 2(4), 89-110 [In Persian].
- Wang, X. (2011). Tax avoidance, corporate transparency and firm value. Available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1904046.